

## رسول پویان

### بذر عشق و همدلی

مردم بیچاره را تاکی غریق خون کنید  
کوکب بخت جوان و طفل را وارون کنید  
خواب راحت را ز چشم خلق دزدیدید لیک  
ترس طالب را سلاح حيله و افسون کنید  
آتش ظلم و ستم هرگز نمی گردد خموش  
گه بنام دین و گاهی با دیگر مضمون کنید  
زیر نام ازبک و پشتون و تاجیک و هزار  
همچو دلالان تجارت بهر نفس دون کنید  
می ستیزید با بهارستان فرهنگ و هنر  
پیکر علم و تمدن را به چه مدفون کنید  
آرزوی کودک و پیر و جوان را می کشید  
نا امید و خسته از خاک وطن بیرون کنید  
زیر نام انتخابات طویل و فتنه زا  
جنگ قدرت بهر چوکی و مقام افزون کنید  
قصرهای تان پر از پوند و ریال و دالراست  
طور معنی پشت سر، رو جانب قارون کنید  
با فریب اجنبی و نقشه همسایگان  
قوم را با قوم و خودی را بخود مظنون کنید  
نیشخند و حرف ناسنجیده گفتن نا بجاست  
ذهن را خالی ز خشم و عقده ملعون کنید  
ورنه مثل داعش و طالب با جنگ و ستیز  
قریه و شهر و سرا را بیثقه هامون کنید

سال ها ویرانی و جنگ و تباهی بس نشد  
گور خود را می کنید، گر باز شیخون کنید  
جان مردم در دل بحران بر لب آمده  
خویش را آزرده و بیگانه را ممنون کنید  
گر سران مملکت غرق فساد و فتنه اند  
ای جوانان کلبه ویرانه را مأمون کنید  
کشور ما خانه اقوام گوناگون بود  
حق اتباع وطن را از ستم مصئون کنید  
هرکجا گریا نهی این خاک پاک میهن است  
سجده از شرق و جنوب و غرب تاجیحون کنید  
بذر عشق و همدلی پاشید در خاک وطن  
نغمه پردازی به سان بلبل مفتون کنید  
کینه و بغض و عداوت را در اعماق وجود  
با محبت، با صفا، از بیخ دیگرگون کنید  
از برای عزت و آبادی و عشق وطن  
خون خنجر را بشوید حسن را گلگون کنید

2014/9/8

**رسول پویان**

**نجات میهن**

ترک جنگ و جدل و فتنه و بیداد کنید  
رحم بر مردم بیچاره و ناشاد کنید  
فقر و بیکاری و امراض نشد چاره ولی  
حال با جنگ وطن را همه برباد کنید

کینه و نفرت چرکین به خندق ریزید  
وحدت و عشق و محبت دگر ارشاد کنید  
رأی مردم نبود بر سر چوکی و مقام  
نظم و قانون در این غمکده بنیاد کنید  
خانه گرسوخت در آتشکده جنگ و نفاق  
دست در دست وطن را ز نو آباد کنید  
هان با تیغ دو دم قلب غزالان ندرید  
تیشه بر ریشه پوسیده صیاد کنید  
ارگ شیرین نبود جلوه گر عشق و وفا  
کوه به مژگان کنید، همت فرهاد کنید  
روزگار ستم و تفرقه دیگر بگذشت  
ائحاد نو و محکم چو فولاد کنید  
دست خونین بشوید به دریای کرم  
صلح و شادی به فدای سر داماد کنید  
زخم بردل نزنید با سخن زشت دیگر  
مرهم بیت و غزل بر همه انشاد کنید  
درس افراط نگیرید ز شیطان لعین  
عقل و تدبیر و تعادل دیگر استاد کنید  
مردم از فتنه حکام به تنگ آمده اند  
آه و نفرین بر اندیشه شیاد کنید  
ای سرانیکه بزور و زرخودی نازید  
گر ندارید غم کس خاطر اولاد کنید  
داعش و طالب و القاعده بلوا کردند  
پند گیرید از آن با وطن امداد کنید

ننگ اشغال و تجاوز نبود لایق ملک  
از تمدنکده عهد کهن یاد کنید  
ظلم ضحاک بر این قوم ندارد پایان  
جنبش تازه تر از کاوه حداد کنید  
تا که ویرانه شود خانه اجدادی ما  
زود از چنگ بلا مملکت آزاد کنید  
گر نبندید کمر بهر نجات میهن  
به خدا هستی ما را همه برباد کنید

2014/9/6